

قدردانی نیروی دریایی ارتش از رئیس مرکز سیمرغ

با دعوت نیروی دریایی ارتش، مدیران مرکز سیمرغ سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به همراه عوامل تولید ویژه‌برنامه «۲۳۲ روز» با فرمانده نیروی دریایی ارتش دیدار و گفت‌وگو کردند. رئیس مرکز سیمرغ عنوان کرد: سازمان صداوسیما آمادگی تولید آثار مختلف رسانه‌ای ازجمله برنامه‌سازی‌هایی از نوع ۲۳۲ روز، سریال‌سازی کوچک و بلند و در نهایت فیلم سینمایی دارد و فرآیندهای پژوهش و نگارش

فیلمنامه نیز در جریان است. اکبر شاهی در ادامه زائر دریا را از زائرهای مهم ساخت گونه سینمایی و سریال برشمرد که متأسفانه مغفول مانده است. دریادار ایرانی ضمن قدردانی از زحمات و اقدامات رسانه‌ملی درخصوص تبیین مأموریت ناوگروه ۸۶ در سفر به دور دنیا، با تجلیل از زحمات جهادی عوامل تولید ویژه‌برنامه ۲۳۲ روز، خاطرنشان کرد: یکی از مجموعه آثاری که با یک نگاه متفاوت به اهمیت مأموریت



حال یک قاتل خیلی متفاوت و مله‌تب است. این به راحتی می‌تواند تبدیل به یک بازگری بد شود. باید این مرز را حفظ می‌کردم. راهی جز نگاه‌کردن به الگوهای معتبر دنیا وجود نداشت و شک نکنید اگر این نقش به بازگیری واگذار شود و کارگردان ریزبین بالای سرش نباشد، قطعاً با بازگر بازنده خواهد شد. چون خیلی وقت‌ها اگر به درستی رصد نشود، مطمئن باشید که خروجی آن با آنچه در درون ما اتفاق می‌افتد متفاوت خواهد بود. مگر این‌که با بازگرانی باشند که کوله‌باری از تجربه

دارند که امثال من از آن دور هستند و بزرگانی همچون استاد شکیبایی یا استاد انتظامی از آن بهره‌مند بودند. اینها می‌دانند دورن و بیرون‌شان چطور جلوه می‌یابد. اینها شاید با کارگردان بی‌تجربه هم کار کنند اما در مورد ما، باید کارگردان نازک‌بین باشد. معطلی بیش از یک کارگردان نازک‌بین کنار ما بود. فرکانس اجرای بازگر را می‌فهمید، شآن لحظه را می‌دانست و متوجه زوایای بیش‌وکم نقشی که باید ایفا می‌شد بود و در نتیجه من هم اعتماد به نفس پیدا می‌کردم که جلوی دوربین با او قدری بازیگوشی کنم. به‌نظرم نقش من در هشت یا می‌تواند جزو کارهایی باشد که می‌توانم بسیار به آن بیالام.

آقای یکی از تجربه‌های اخیر شما با احمد معظمی در سریال بازپرس رقم خورد. چقدر تجربه‌ای که در این دو نقش داشتید با یکدیگر متفاوت است؟

هشت‌پا از یک نظر برای من تجربه متفاوت‌تری بود. به‌طور کلی نقش‌های منفی را دوست دارم و انگار دیگران متوجه شده باشند، کمتر نقش‌های مثبت را از من می‌خواهند. اما مشخصاً تفاوتی میان کاراکتر دکتر عارف با دیگر نقش‌هایم قائل هستم. حتی در سینما پیدا کنیم و از آن الگو

فرآیند ایفای نقش، تفاوت قائل هستم. جدای از این‌که نقش متفاوت است، در هشت‌پا نقش را از جزء به‌کل بازی کردم. یعنی به‌جای این‌که مثل همیشه، کلیت نقش را فهم و آن را ایفا کنم و بعد در جزئیات چیزهایی به آن اضافه کنم تا تعریف شخصیت در بیاید. این بار معکوس عمل کردم. چون اصرار داشتم بازی من تفاوت

ت. سکانسی که عده‌ای به و می‌خواهند دار بزنند. آن بود و صادقانه از صبح روزی ا همه داشتم. در واقع خیلی مت من ریسک کردیم و در آن

یر نزدیکی از

ملوی من زیر

م. یعنی اگر

حالا این‌که

پبینی شده

به برهنه رخ

تجربه مرگ

با شد بلکه

ید از گردن-

روز در خواب

را داشت.

بازی در آن

تروکه انجام

یگری از او

برای ایفا

که با کاراکتر

سینما پیدا کنیم و از آن الگو

زی ام را با فرد خاصی مقایسه

ارد که مروری بر آن داشتم

اطب با ما همراه شود و آن را

یک استاد دانشگاه در عین

ناوگروه ۸۶ پرداخت. مجموعه ۳۰ قسمتی ۲۳۲ روز بود که از نگاه نخبگان، دانشمندان، هنرمندان و مفاخر ایران‌زمین ابعاد و بزرگی این مأموریت تبیین و روایت شد. امیر دریادار ایرانی گفت: ارتش، ظرفیت‌ها و سوزهای متعدد و متفاوتی برای تولید محتوای رسانه‌ای دارد.



گفت‌وگو

ایفای نقش یک مادر خاص

افسانه چهره‌آزاد از تجربه مادری

با نقش جدیدش می‌گوید

افسانه چهره‌آزاد که نقش مادر سعید را دارد، تلاش کرده بدون تجربه مادرشدن، نقش مادر سه فرزند را بازی کند. او در خصوص همکاری با این پروژه، به جام‌جم می‌گوید: من از همکاری با آقای معظمی بسیار خوشحالم. چون همیشه دوست داشتم با ایشان همکاری داشته باشم و این اتفاق در هشت‌پا افتاد. خاطرات بسیار خوبی از این سریال در ذهنم ماند است. آن‌هم به خاطر درایت و تسلط ایشان روی فیلمنامه و کلیت کار بود که این کمک را به من به‌عنوان بازیگر می‌دادند تا نقشم را به‌خوبی ایفا کنم. من نقش مادری را در این سریال بازی کردم که برایم خیلی خاص بود.

زمانی که قصه را خواندم احساس کردم خیلی از من دور است؛ چون من در واقعیت فرزندی ندارم، اما سعی می‌کردم حس مادری را در بازی‌ام بروز دهم. به‌هرحال بازیگر باید حسی را که در نقش وجود دارد، برای مخاطب آشکار کند. برای همین موقعیت‌ها و چالش‌هایی را ایجاد می‌کرد که از خودم دور بود. اما با فداکاری و گذشتی که مادران ایرانی برای فرزندان‌شان دارند، این مهم برای من انجام شد. آن‌هم به خاطر این بود که این کاراکتر همه عشق و علاقه‌اش به خاطر سه فرزندش بود و از خودگذشتگی‌ای که زمانه برایش ایجاد می‌کرد را باید در بازیش می‌دیدیم. البته بازی در این کاراکتر کمی برای من سخت بود. چون برای این مادر و سه فرزندش موقعیت چالش‌برانگیزی وجود داشت.

بنابراین سعی می‌کردم تا حدودی این نقش را اوراکت بازی کنم. امیدوارم برای بیننده‌ها هم این اتفاق افتاده باشد. وی در پاسخ به این‌که کدام سکانس برایش خاطره‌انگیز بوده، می‌گوید: من سکانس‌هایی در این سریال داشتم که در خاطرم ماند. یکی از آنها سکانس مربوط به کارگاه تولیدی با حضور کاراگاه - با بازی سعید چنگیزیان - بود که به خاطر دکو‌باز و میزانشن آقای معظمی، توانستم حس فضا و کار را درک کنم.

دومین سکانسی که یادم هست، مواجیه من با بچه‌ها به‌خصوص سعید بود که می‌گفتم ارثیه پدرشان اصلاً حلال نیست و نباید آن را قبول کنند. آن‌هم خیلی سکانس چالش‌برانگیزی برای من بود. سکانس ماندگار دیگر، مربوط به سرقت خودروست. البته کمی می‌ترسیدم، اما به‌قدری آقای معظمی به من راهنمایی خوبی داد و به ایشان اعتماد کردم

که کار به نحو احسن اجرا شد. البته بخشی از کار را بدلکار و بخشی را هم خودم بازی کردم که شرایط سختی بود. این سکانس جزو خاطرات خوب من در این کار بود. بااین‌حال من در صحنه سرقت ماشین روی زمین کشیده شدم که این بخشی را خودم بازی کردم.



داشته باشد. این بار سکانس به سکانس جزئی برخورد کردم. این‌که در هر سکانس چه‌کار باید بکنم. در نهایت چند سکانس را بررسی می‌کردم که ببینم در سکانس بعدتر، چه بایدکنم. یعنی به‌جای این‌که از ابتدا فکر کنم عارف کس است که فلان ویژگی را دارد، در هر سکانس به ویژگی و چگونگی او فکر کردم؛ در عین‌این‌که مراقب بودم که انسجام اجرا از دست نرود و تعریف نقش مخدوش نشود.

آقای تفاوت دیگری بین این دو کار قائل هستید؟

ذات پلیسی این کار هشت‌پا با بازی مثل بازپرس که وجه پلیسی آن کم‌رنگ بوده، متفاوت است. آنجا فرآیند برای مخاطب مهم بود اما در هشت‌پا چیزهای بسیاری برای کشف وجود دارد. به‌همین خاطر این شخصیت اگر قرار بود وزنش در دام دست قرار گیرد، باید حلقه به حلقه باز می‌شد. اگر جایی و حلقه‌ای از نقش را به غلط، زودتر بازی می‌کردم، تعریف این شخصیت در شاکله کار مخدوش می‌شد.

برخورد متفاوتی با این شخصت داشتم و در ایفای نقش نیز متفاوت عمل کردم. با علم به این‌که کارگردانی مسلط به درام و دقیق -حواسش به من است که راگوردهای لحظه‌ای را درست ایفا کنم. این اصولاً مسیرمان را در ایفای نقش سخت و پیچیده می‌کند، چون برعکس آن درست است. اما فکر می‌کنم نتیجه آن برای مخاطب مطلوب باشد. چون همان‌کاری را با مخاطب کردم که درام دوست دارد در

کلیت دراماتیک خودش با مخاطب انجام دهد.

اینها همه عملی نمی‌شد اگر کارگردانی ریزبین کنارمان نبود. نمی‌توانم بدون اعتماد به این مرزهای دور و اطراف عمل کنم. کارگردان مراقب بازیگر بود تا از این خطوط بیرون نزنم. این مراقبت‌ها را آقای معظمی به‌بهترین نحو داشت. این چهارمین تجربه من با محمدرضا شفیعی تهیه‌کننده است. با تجربه‌ای که پیش از این داشتم متوجه شدم تهیه‌کننده خوب نعمت است. فضای حرفه‌ای پشت اثر در روند بازی در چنین سریالی بسیار اهمیت دارد.

کمک بازیگردان هم بسیار به کار آمد.

رویداد

برگزاری محفل در ابوموسی

محفل قرآنی پرطرفدار سیما قرار است در روز جمعه پیش‌رو در ابوموسی برپا شود.

داوران این برنامه تلویزیونی نیز با سفر به جزیره ابوموسی در آب‌های خلیج فارس، فردا این برنامه را اجرا می‌کنند.

این مراسم ساعت ۱۵:۴۰ در پلاز ساحلی جزیره ابوموسی برپا می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در برنامه عدد یک را به سامانه پیامکی ۱۹۱۰۳۰۰۰ ارسال کنند.

ابوموسی در هفته‌های اخیر شاهد برپایی ده‌ها ویژه‌برنامه فرهنگی و ورزشی در تقویت احساس تعلق خاطر ایرانیان به جزایر سه‌گانه به‌عنوان بخشی از پیکر ایران اسلامی هستند.

برنامه محفل اخبار اجرایی بین‌المللی را در کشورهایی از جمله پاکستان تجربه کرد. این برنامه همچنین در صدد تولید یک مستند با حضور چهره‌هاست که پیش از این خبرهایی درباره آن را منتشر کرده بودیم.

محفل، برنامه‌ای قرآنی است که در ماه رمضان مخاطبان بسیاری را با شبکه سه سیما همراه کرد. این برنامه توانست آمار بالایی در میان بینندگان تلویزیون به‌دست آورد.

ذره‌بین

محسن محمدی روزنامه‌نگار

نگاهی به جذابیت‌های یک سریال پلیسی

از کارآگاه علوی تا سرگرد کیانفر

سریال‌های ساخته‌شده در ژانر پلیسی و معمایی همواره ازجمله محبوب‌ترین انتخاب‌های بینندگان تلویزیون بوده‌اند. مخاطبان و همراهان قاب جادویی هنوز خاطرات خوش تماشای سریال‌هایی مانند کارآگاه علوی، شلیک نهایی، کلانتر و... را به‌دست فراموشی نسپرده‌اند. بی‌تردید ژانر پلیسی-معمایی یکی از گونه‌های پرطرفدار، چه در تلویزیون و چه در سینما به‌شمار می‌رود که اتفاقاً آثار ماندگار و قابل اعتنای زیادی در آن ساخته شده است. در دنیا نیز اوضاع به همین منوال است و آثار نمایشی ساخته‌شده در این ژانر ازجمله شرلوک هولمز، هرکول پوار، خانم مارپل و... بینندگان جهانی دارند و با استقبال مردم کشورهای مختلف مواجه شده‌اند.

یکی از آخرین سریال‌های تلویزیون در ژانر پلیسی-معمایی که اتفاقاً این شب‌ها از شبکه یک سیما روی آنتن می‌رود، «هشت‌پا» به کارگردانی احمد معظمی است. قصه این سریال درباره کارآگاه پلیسی به نام سرگرد کسری کیانفر است که در مسیر حل معمای قتل یک مرد ثروتمند، به ارتباط کشته‌شدن او با فعالیت یک باند بزرگ مواد مخدر پی می‌برد و خود را در برابر دنیای تبهکاران می‌بیند که معماهایی دشوارتر و پیچیده‌تر از قتل را برای او و همکارانش تدارک دیده‌اند. فارغ از قصه جذاب، پیچیده و چندلایه هشت‌پا آنچه این سریال را در زمره آثار موفق پلیسی - معمایی سیما در چند سال اخیر قرار می‌دهد، ایرانیزه‌کردن شخصیت‌ها و فضاها و اتمسفری است که داستان و اتفاقات در آن می‌گذرد. این مهم نه‌فقط درباره سرگرد کیانفر و همکارانش، که حتی در مورد قاچاقچیان و تبهکاران نیز اعمال شده و شخصیت‌های سریال را وطنی کرده است.

برخی از منتقدان سال‌هاست آثار متعلق به ژانر پلیسی - معمایی را چه در تلویزیون و چه سینما، متهم به کپی‌برداری از آثار خارجی کرده‌اند. سازندگان هشت‌پا چه در طراحی قصه و چه در شخصیت‌پردازی کاراکترها، عنصر ایرانی بودن را لحاظ داشته‌اند و به این‌ترتیب، سریال خود را از اتهام کپی‌بودن مبرا کرده‌اند. کاراکتر سرگرد کیانفر با بازی سعید چنگیزیان یک پلیس کاملاً ایرانی است با همه مختصات و مشخصاتی که از مردم عادی سراغ داریم. او نه پالتوی بلند می‌پوشد، نه ادعای زیرکی دارد و نه به استفاده از اسلحه مصر است. احمد معظمی به‌عنوان کارگردان هشت‌پا با انتخاب سعید چنگیزیان برای نقش اول سریالش، سعی کرده بازیگری را به‌عنوان پلیس ایرانی جلوی دوربین بفرستد که مخاطب سابقه نقش‌های مشابه را از او در ذهن نداشته باشد و در نتیجه، نهایت همراهی و همذات‌پنداری بیننده با قهرمان سریال حاصل شود.

از سوی دیگر، کاراکترهای سریال کمتر به تیپ نزدیک شده‌اند و کنش‌های تئپیکال اسلاف خود در سریال‌های پلیسی-معمایی را ندارند. حتی قاچاقچیان هم دیگر آن شخصیت‌های تیپ‌گونه فیلم‌ها و سریال‌های پلیسی دهه‌های گذشته نیستند و تبدیل به کاراکترهایی خاکستری و ملموس شده‌اند.

باز از نقاط قوت سریال هشت‌پا توجه عوامل این سریال به جامعه مخاطبان هدف خود و شناخت کافی از آنهاست. مخاطب امروز تلویزیون با مخاطب دهه‌های گذشته از زمین تا آسمان تفاوت دارد و دسترسی‌اش به اطلاعات و داده‌های داخلی و خارجی قابل قیاس نیست. مخاطب امروز هم‌ویژه نسل جوان و نوجوان دیگر به دنبال معمای تک‌بعدی سریال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ نیست که مثلاً در هر قسمت یک معمایی مطرح شود و کارآگاه علوی یا امیرحسین اوصایی بیاید و در پایان همان قسمت، گره از کار بگشاید و معما را حل کند. مخاطب جوان تلویزیون سریال‌های شاخص پلیسی - معمایی خارجی را با قصه‌های پیچیده و چندلایه‌اش دیده و توقع دارد که نمونه‌های وطنی هم به این استانداردها نزدیک باشند. نویسنده و کارگردان سریال هشت‌پا برای تأمین نظر این طیف از مخاطبان که اتفاقاً کم‌تعداد هم نیستند، کوشیده‌اند تا قصه‌ای چندوجهی، چندلایه، پیچیده و پراز گره‌ها و دست‌اندازه‌ای معماگونه را طراحی و جلوی دوربین جان بکشند که تا حدود زیادی هم توفیق داشته‌اند. قصه سریال هشت‌پا یک معمای تک‌وجهی ساده نیست که با اندک تامل و تفکری بتوان گره از آن باز کرد و حلش کرد. بیننده اگر می‌خواهد در یافتن پاسخ برای پرسش‌های طراحی‌شده در فیلمنامه مشارکت داشته باشد، باید با سرگرد کیانفر همراه شود تا قسمت به قسمت و مرحله به مرحله، خود را به حل معماهای قصه نزدیک ببیند. یکی دیگر از جاذبه‌های سریال احمد معظمی، حضور بازیگرانی است که تجربه کافی برای بازی در آثار پلیسی-معمایی را دارند و اتفاقاً خودشان نقش‌های اصلی برخی از معروف‌ترین مجموعه‌های نمایشی ساخته‌شده در این ژانر را بر عهده داشته‌اند. نمونه بارز این بازیگران احمد نجفی است که روزی روزگاری کارآگاه علوی تلویزیون بود و ایرج نوذری که نقش اول سریال کلانتر را برعهده داشت. فراموش نکنیم که خود معظمی نیز کارنامه پربراری در حوزه ساخت سریال‌های پلیسی معمایی دارد و طی سالیان گذشته، آثاری همچون بازپرس، سارق روح و ترور خاموش را کارگردانی کرده است.

سکانس

شب شکار شیطان

در یکی از قسمت‌های دیدنی مجموعه «هشت‌پا» رضا اکبرپور در نقش سعید بالای کیسان ایستاده و حالت طبیعی ندارد. او قصد دارد مردی را که به گروگان گرفته، با میله آهننی بر سرش بکوبد که پلیس وارد ماجرا می‌شود. اطراف محلی که این اتفاق رخ داده، جمعیت بسیاری جمع شده‌اند که سعید چنگیزیان و محسن بهرامی که نقش پلیس را بازی می‌کنند، وارد ماجرا می‌شوند و سعی دارند غائله را ختم کنند.

